مکالمات

کتابخانه ملی یا قرائت خانه ملی

● بهزاد کریمی ●

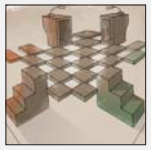

بعد از گذشت یک سالی که قید کتابخانه ملی را زده بودم، چند روز پیش وسوسه شدم که دوباره سری به آن کتابخانه مدرن بزنم به این امید که در این مدت یک سال، مشکلات گذشته مرتفع شده باشد و مگر نه آنکه شعار دولت نهم مهربانی و خدمت است، گفتم شاید این کتابخانه پرت ملی هم با محبت دولتمردان گره از کارش گشوده شده باشد. یادم می آید زمانی که به عضویت کتابخانه ملی در آمدم و با شگفتی این سازه عظیم سیمانی را تماشا می کردم و می شد گفت محو آن شده بودم، به خودم گفتم، ظاهرا این بار فرهنگ از گوشه مظلومیت به در آمده و گوشه چشمی به آن شده است. اما با دو سه بار مراجعه اولیه به کتابخانه، همه آن توهمات ساده دلانه از میان رفت. وقتی با هزار ذوق و شوق به کتابخانه ملی می رفتی تا در فضایی آرام کتاب های مورد نظرت را به امانت بگیری و پژوهش و مطالعه ات را آغاز کنی با این جمله معروف کتابداران عزیز روبه رو می شدی که «کتاب ها را هنوز نچیده اند.» البته این جمله را یکهو نمی گفتند که قلبت بایستد بلکه ده دقیقه، یک ربعی تو را محترمانه به نشستن روی مبل چرمی شیک سبز رنگ دعوت می کردند و بعد از آنکه حسابی در این مدت دلت را صابون می زدی، با دستانی خالی برمی گشتند و این جمله زیبا را ادا می کردند. خب دیگر، چاره ای نبود. دفتر و دستکت را با خودت آورده بودی، صبح زود از آن سر شهر راه افتاده بودی تا برسی اینجا، ۲۰ دقیقه منتظر مینی بوس کتابخانه زیر سایه پل عابر دم زده بودی و همه اینها را به یاد می آوردی تا به نحوی ماندنت را در کتابخانه توجیه کنی. خب، چه باید کرد؟ بهتر است بروی سراغ کتاب های مرجع که در قفسه های کناری چیده شده اند و یک جوری سرت را با خواندن آنها گرم کنی. خدا را چه دیدی شاید مطلب به دردخوری هم گیرت آمد. این ماجرا یک سال تمام ادامه داشت و کتاب ها در این یک سال چیده نشد! گاهی وقت ها سبک و سنگین می کردم که به کتابداران بگویم من و همسرم و اگر بخواهید چند نفر از دوستانم آماده ایم ماند کارگر روزمزد البته به صورت رایگان این کتاب های تمام نشدنی را بچینیم. اما هر بار که می آمدم این جمله را بگویم پشیمان می شدم چون احساس می کردم مشکل جای دیگری است. مگر می شود چیدمان کتاب آن هم با این همه کارگر و کارمند و کتابدار اینقدر طول بکشد؟ اگر کتابخانه بادلیان هم بود تا الان تمام شده بود. البته دل کندن از کتابخانه کار راحتی نبود. نامه ای به جناب آقای اشعری، رئیس محترم کتابخانه نوشتم و به دفترش فاکس کردم و همه مشکلات را گفتم. چند روز بعد آقایی که الان نامش در خاطرم نیست تماس گرفت و گفت شما هر کتابی بخواهید تقدیم می کنیم! به ایشان گفتم این مشکل من نیست و من از طرف همه نوشته ام. چند باری رفتم و دیگر نرفتم.

اینها را گفتم تا بدانید چرا در این یک ساله قید کتابخانه ملی را با آن همه زیبایی و مدرنیتش -به قول داریوش آشوری -زدم. اما این بار بعد از یک سال دوری از کتابخانه، به این امید که کتاب ها چیده شده اند، با چیزهای جالب تری روبه رو شدم. اول آنکه نیم ساعت پای کامپیوتر ها بایستادم تا برق بیاید! دیگر آنکه درخواست کتاب الکترونیکی شده است و از کاغذ و قلم برای نوشتن مشخصات کتاب خبری نیست -خدا اجرشان بدهد. اما، اما نوشته ای کنار مانیتورها خودنمایی می کرد. هشدار می داد یا نمی دانم آگاهی می داد تا اطلاع ثانوی به دلیل مشکلات سیستم کتاب بر، امانت کتاب از مخازن بسته میسر نیست! خب مثل همیشه، این بار فقط شکلش عوض شده یا بهتر است بگویم واقعیت عیان شده است. پس مشکل چیدن کتاب نبود، سیستم ریل کتاب بوده است. یعنی یک سال به هزاران نفر دروغ گفته اند! البته مهم نیست. به نظر شما مهم است؟ مهم آن است کتابی که می خواستی، نبود یا نیست. سه کتاب در بخش علوم انسانی مدنظرم بود. دعا می کردم که در مخازن بسته نباشند. یکی از سه کتاب در مخازن بسته بود. کتابی که برایم مهم بود اما می شد یک جوری با آن دوتای دیگر فعلا کار کرد. آن یکی را از جای دیگری جور می کردم. شاید از یک کتابخانه عمومی! خیلی خوشحال به طبقه بالا رفتم، کارتم را تقدیم کتابدار محترم کردم، ایشان پرینت درخواست ها را گرفتند و روانه مخزن شدند. من در این فاصله روی مبل چرمی سبز رنگ معروف نشسته ام. دقایقی بعد خانم کتابدار با یک کتاب، بله تنها یک کتاب از دو کتاب می آید و می گوید:

«یکی اش هم نبود.»

«چرا؟»

«سر جایش نبود.»

«در مخازن بسته نبود.»

«بله. اما نبود.»

«مگر سیستم اصولا برای کتابی که امانت باشد، پیام نمی دهد؟ یعنی این کتاب امانت است؟»

«بله. این امانت نیست. شما دوباره انتخاب کنید.»

«یعنی بروم پایین و دوباره همین کتاب را سفارش امانت بدهم؟»

«نه! یک کتاب دیگر را سفارش بدهید!»

«نه! خیلی ممنون.»

همان یک کتاب را گرفتم و آمدم نشستم، کمی عصبانی بودم اما پیش خودم گفتم الان می روم سراغ کتاب های مرجع و یک جوری به هر حال از وقتم استفاده خواهم کرد. اما از کتاب های مرجع تاریخ، خبری نبود! بخش اعظم کتاب ها جمع شده بود. حالا دیگر اگر کار دمی زدی خونم در نمی آمد. آمدم نشستم. در این فاصله به اطرافم نگاهی کردم. کتابخانه بیش از پیش شلوغ بود. می شد گفت تک و توک جای خالی پیدا می کردی. پیش خودم گفتم، اگر مخازن -البته نه همه آنها ولی بخش عمده ای -بسته است، پس چرا کتابخانه اینقدر شلوغ است؟ حس کنجکاوی وادارم کرد بلند شوم و چند قدمی بالای سر میزها بزنم و با بعضی از اعضا صحبت کنم. در یک ارزیابی شتابزده در طبقه دوم بخش علوم انسانی به چند نکته جالب پی بردم. اول: بیشتر کسانی که مشغول مطالعه بودند، دانشجوی لیسانس بودند. دوم: حدود هشتاد درصد در حال مطالعه جزوه های دانشگاهی و نه کتاب بودند! سوم: از آنجا که در آستانه امتحانات فوق لیسانس هستیم کتابخانه شلوغ تر از همیشه است چون همگی مشغول خواندن درس های کنکور هستند. بعد از این ارزیابی، لپ تاپ را خاموش کردم، کتاب را خیلی محترمانه پس دادم، به خانه آمدم، ناهار خوردم و بعد گفتم که به کتابخانه ملی نروم تا... تا کی؟ نمی دانم.

اینک، خدایان پیش رفته اند

■ بیژن عبدالکریمی از دیالوگ مارتین هایدگر و هانری کربن سخن گفت

● حمید رضایی ●

نشست هفته گذشته موسسه معرفت و پژوهش دیالوگ فلسفی هایدگر و هانری کربن نام داشت که در آن دکتر بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه سخنرانی کرد. در این نشست، عبدالکریمی ابتدا عقاید هایدگر و کربن را تشریح کرد و سپس به اختلاف دیدگاه های این دو پرداخت. او تاکید کرد که در عمل هیچ گاه دیالوگی واقعی و تاریخی اینچنین بین این دو فیلسوف رخ نداده و آنچه بیان می شود، نتیجه تحقیقات خود او درباره عقاید هایدگر و کربن است. عبدالکریمی در ابتدا با تاکید بر اینکه هایدگر یک متفکر معمولی نیست و اهل فلسفه که اهل منزلت شناسی هم هست، شأن هایدگر را در رده افلاطون و ارسطو و کانت و هگل می داند و می گوید: «به عقیده پاره ای از متفکران، تفکر آینده بشر منوط به تسویه حساب با تفکر هایدگر است و تفکر آینده بی تردید با تفکر هایدگر نسبت دارد.» او با بیان اینکه هایدگر خواهان گذر از تفکر متافیزیکی است و می خواهد ما را به نحوه اندیشیدنی دعوت کند که این روش متافیزیکی نیست، ادامه داد: «متافیزیک یک سنت اندیشیدن تاریخی است اما یگانه سنت تاریخ نبوده است. متافیزیک با یونانیان شروع شد اما عمر بشر به پیش از آن برمی گردد. بشر فقط به غرب و یونان محدود نمی شود و سنت هایی مانند سنت عبری که در دل آن یهودیت، مسیحیت و اسلام ظهور کرد، سنت های خاور دور، اندیشه های چینی، اندیشه های کنفوسیوس و تفکرات هندی مانند بودیسم نیز وجود دارند.»

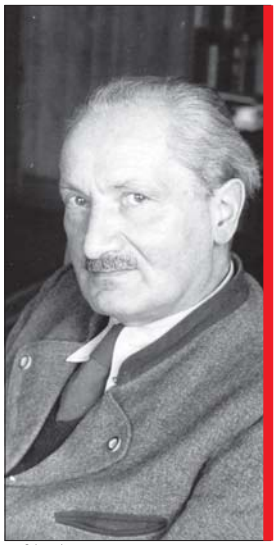

مارتین هایدگر ●

هانری کربن ●

مسیح و بودا اهل تفکرند

وی با اشاره به اینکه مسیح و بودا بی تردید اهل تفکر بوده اند اما نحوه تفکر آنها با نحوه تفکر ارسطو و کانت و دکارت از یک سنخ نبوده است، گفت: «به هر حال تفکر متافیزیکی بر بشر غلبه پیدا کرد و باید دانست که متافیزیک مجموعه ای از دانش ها نیست بلکه همه ما اهل متافیزیک هستیم. به این معنا که ما با مقولاتی زندگی می کنیم که آن مقولات متافیزیکی است.»

این مدرس فلسفه با طرح این سوال که آیا بشر می تواند به روش دیگری جز متافیزیک برای اندیشیدن دست پیدا کند، گفت: «هایدگر در کتاب «برسر باب تکنولوژی» می گوید خطری زیان بارتر از انفجار سلاح های هسته ای بشر را تهدید می کند و این خطر این است که بشر شیوه های دیگر تفکر را از یاد برده است. به نظر من امروز نسل جدید اصلا متوجه نمی شود که اندیشه غیرمتافیزیکی چیست و این از نظر هایدگر بسیار خطرناک است.»

عبدالکریمی در ادامه با بیان اینکه وقتی انسان فقط به واسطه ذهن خود جهان را بشناسد به تدریج معنا را گم می کند، افزود: «اگر انسان بخواهد خدا را به منزله کانون جهان در تاریخ متافیزیک اثبات کند، امکان ندارد بتواند از طریق عقل وجود خدا را ثابت کند. بعد از انتقادتی که هیوم به برهان نظم وارد کرد، دیگر این برهان برای اثبات وجود خدا به لحاظ منطقی خنده دار است. بعد از انتقادتی که کانت به برهان آنتولوژیک یا صدیقین کرد، دیگر استفاده از آن برای اثبات خدا به لحاظ منطقی قابل دفاع نیست. پس از این تاریخ متافیزیک رسید به جایی که نتیجه از مرگ خدا صحبت کرد، یعنی در سنت متافیزیک، خدا می میرد و با مرگ خدا، بشر کانون معنایخش جهان را از دست می دهد و اسیر نهیلیسم می شود.»

مدرنیته و سکولاریسم

وی به دو تجربه تاریخی «است» که در آن خدا و ملائکه وجود داشتند و در آنجا کلیسا و پاپ ظهور کرد و «مدرنیته و سکولاریسم» که در آن از مرگ خدا صحبت شد، اشاره کرد و ادامه داد: «در دوران ما ایمانی که با عقل روشنگری ناشی از تجربه تاریخی دوم شکل گرفت، رو به سردی گذاشته است. بشر حوادث بزرگی مثل جنگ های جهانی، قتل ها و کشتارها و هیروشیما، سیطره تکنولوژی و نهیلیسم را دید و هیچ تمدنی به اندازه تمدن کنونی غرب، قدرتمند نبوده است. اما سوال این است که «پس چرا حال بشر خوش نیست؟ چرا در پرتو تکنولوژی احساس لذت و سعادت نمی کنیم؟»

عبدالکریمی در ادامه این نشست با بیان اینکه هایدگر در چین وضعیتی از امر غیرتئولوژیک خبر می دهد نه تئولوژیک گفت: «وصف الحال این تفکر هایدگر این بیت حافظ است که

«نه در مسجد گدازندم که زند است

نه در میخانه کاین خمار خام است»

میان مسجد به عنوان نماد تفکر تئولوژیک و میخانه، نماد تفکر سکولاریسم آیا راهی هست؟ هایدگر الوهیت را نمی خواهد انکار کند بلکه ما را به فهم جدیدی از امر قدسی دعوت می کند. فهمی که بسیار دشوار است و همه ما آمادگی پذیرش آن را نداریم. آنچه هایدگر ما را به فهم آن دعوت می کند البته سهمگین است. سوال این است که در عصر تکنولوژی کنونی رازها زدوده شده حال فهم معنوی از جهان چگونه ممکن است؟

اهمیت هانری کربن برای ایرانیان

او در ادامه به بیان دلایل اهمیت هانری کربن برای ایرانیان پرداخت و گفت: برخلاف اینکه همه معتقدند برای نخستین بار هایدگر توسط فردید وارد ایران شد، من معتقدم هایدگر وارد ایران شد و من در کتاب «هایدگر در ایران» به صورت مبسوط به این موضوع پرداخته ام که فردید متاثر از کربن بود. دیگر اینکه کربن می کوشد هایدگر را در افق ایرانی - اسلامی تفسیر کند و شناخت کربن می تواند بیماری از مسائل ۶۰ سال اخیر را برای ما روشن کند.

وی افزود: ما به کربن مدیونیم چون او به ما آموخت که چگونه به خودمان بیندیشیم. او به ما ایرانیان یادداد که خودمان را به منزله یک سنت خاص بفهمیم که از حکمت باستان شروع می شود و تا ملاصدرا ادامه می یابد. کربن شاگرد ان بزرگی در ایران تربیت کرد که فردید بزرگ ترین آنهاست و تمام بصیرت های کربن در اندیشه های او دیده می شود. رضا داوری، عباس معارف، محمد مددپور، شهرام پازوکی، محمد رجبی و سیدحسین نصر از آبشخور اندیشه های کربن شخصیت علمی و فکری گرفته اند. سخنران نشست «دیالوگ فلسفی هایدگر و کربن» در ادامه تاکید کرد که آینده تفکر ما ایرانیان تا حدود زیادی به تسویه حساب با کربن بستگی دارد و گفت: این تسویه حساب ما را برای خروج بسیاری از این بست های فکری یاری می کند.

اهمیت شکل گیری دیالوگ های فلسفی

او در بیان دلایل اهمیت شکل گیری دیالوگ های فلسفی گفت: اصولا در کشور ما دیالوگ فلسفی شکل نمی گیرد و آنچه هست مناقشات سیاسی و ژورنالیسم است و تا زمانی که جامعه به سطحی از شعور نرسیده که بتواند دیالوگ فلسفی شکل بدهد، آن جامعه هنوز وارد مباحث فکری نشده و این جامعه سعادتمند نخواهد بود، چون خانه خودش ویران است. مهرورزی با متفکران اینه می تواند به ما کمک کند خانه ویران خرد را تا حدودی سامان دهیم. اگر دیالوگ فلسفی هایدگر و کربن خوب فهمیده شود، می تواند به ما کمک کند که با تفکر این دو فیلسوف تعیین تکلیف کنیم و راه آینده را پیدا کنیم.

عبدالکریمی با بیان اینکه در تفسیر، هم شأن بودن مهم نیست اما این موضوع در دیالوگ بسیار بااهمیت است، ادامه داد: در برابر بصیرت فلسفی، باید بصیرت فلسفی وجود داشته باشد. اینکه هایدگر با فاشیست ها ارتباط داشته یا با هانا آرنت دیدار کرده یا نه، جزو دیالوگ فلسفی نیست و آنچه ما با آنها مواجهیم پرسش های عمیق فلسفی است. او با تاکید بر اینکه کربن یک فیلسوف است و نگاه فیلسوفانه به جهان دارد، گفت: درست است که کربن مستشرق بوده و نگاهی به شرق داشته است، اما شأن علمی او بالاست. زندگی کربن عادی نیست، چون او آنقدر خوشبخت بود که تمام بزرگان دوره خود را دید. اگر ما شأن فلسفی را نفهمیم نمی توانیم اهمیت او را درک کنیم. شیخ اشراق برای کربن اسطوره فلسفه است چراکه در فلسفه اشراق تلاش می شود برای جمع تفکر متافیزیکی و تفکر معنوی.

کربن به هایدگر مدیون است

وی به همنشینی هایدگر و کربن در سال ۱۹۳۴ اشاره کرد و با بیان اینکه کربن به کمک هایدگر کتاب «متافیزیک چیست» را ترجمه کرد، افزود: کربن بسیار به هایدگر مدیون است و این جمله را گفته که منشاء همه پژوهش های من تحلیل های فوق العاده هایدگر است. به اعتقاد من مهم ترین محورهایی که برای تاثیرپذیری کربن از هایدگر می توان برشمرد هرمنوتیک فلسفی، هرمنوتیک حضور، گذر از هیستوریسیم و متاهیستوریسیم است. او با بیان اینکه کربن با وجود همه تاثیرپذیری هایش از هایدگر به او انتقاداتی هم دارد و چند جا از او جدا می شود، گفت: کربن معتقد است ما می توانیم میان روش تفکر هایدگر با جهان بینی او تفاوت قائل شویم. او می گوید من روش تفکر را از هایدگر می پذیرم اما جهان بینی خاص او را نمی توانم قبول کنم. او اعتقاد دارد روش، مثل یک کلید است و من از روش تفکر هایدگر سود می گیرم اما در ساحت هایی که هایدگر وارد آن نشده است. کربن مدعی است که روش هرمنوتیک هایدگر را فراتر از محدوده تفکر هایدگر به کار می برد. این استاد دانشگاه با بیان اینکه کربن در مساله ساحت قدسی، راه خود را از هایدگر جدا می کند، افزود: کربن نه حرف کسانی را قبول دارد که معتقدند وجود هایدگر همان ساحت قدسی است و نه حرف مفسران سکولار او را قبول دارد. بلکه صراحتا می گوید متاسفانه بسیاری از پیروان جوان هایدگر رابطه هرمنوتیک هایدگر و الهیات را فراموش کرده اند. تفسیر سکولار هایدگر، نفهمیدن اوست، برخلاف آنچه در جامعه ما گفته می شود که فردید، هایدگر را تئولوژیک کرده است. کربن معتقد است میان ساحت قدسی در عرفان شرقی با آنچه هایدگر می گوید، فاصله زیادی است. عبدالکریمی ادامه داد: از نظر کربن، هایدگر بعد شرقی تفکر را حدس زده بود اما نتوانست آن را کاملا دریابد. هایدگر دنبال چیزی می گشت که تفکر شرقی آن را گفته بود، به همین دلیل یکی از کشورهایی که هایدگر را به خوبی پذیرفته، ژاپن است.

کربن معتقد است ما می توانیم میان روش تفکر هایدگر با جهان بینی او تفاوت قائل شویم. او می گوید من روش تفکر را از روش تفکر هایدگر سود می گیرم اما در ساحت هایی که هایدگر وارد آن نشده است

هایدگر و تفاوت وجود و موجود

کربن می گوید هایدگر تفاوت میان موجود و وجود را بیان کرده بود، اما این تمیز کمک نمی کند که ما وارد ساحت قدسی شویم، به همین دلیل کربن می گوید از هنگامی که من با عرفای ایرانی و اسلامی آشنا شدم، دیگر نتوانستم به تفکر هایدگر برگردم. به تعبیر دیگر، حضور در تفکر هایدگر زنده نیست، هر چند او به دنبال تفکر حضوری بوده است.

او با بیان اینکه در تفکر هایدگر تجلی الهی وجود ندارد، گفت: از همین جاست که کربن راهش را از هایدگر جدا می کند. به تعبیر دیگر تفکر هایدگر در قیاس با تفکر شرقی جنبه معنوی کمتری دارد. هایدگر فقط از حضور در جهان صحبت می کند اما این حضور از حضوری که عرفای شرقی می گویند کمرنگ تر است. کربن روش هرمنوتیک حضور هایدگر را می پذیرد اما جهان بینی او را نمی پذیرد. کربن به لحاظ روش متاثر از هایدگر است اما به لحاظ روحی و معنوی بیشتر با حکمای ما احساس هم خویشی می کند.

کربن و احیای دوباره الهیات

او با اشاره به اینکه هایدگر از تخریب تئولوژی و کربن از رستاخیز و احیای دوباره الهیات صحبت می کند، ادامه داد: نباید گول واژه ها را خورد. آنچه کربن و هایدگر می گویند ظاهرا با هم خیلی فاصله دارند اما این فاصله خیلی زیاد نیست. گفتیم که کربن به دنبال ساحت قدسی است و برای اینکه بتوانیم از نهیلیسم دوره جدید عبور کنیم، او این حضور را در هرمنوتیک باطنی کتب مقدس جست و جو می کند لذا کربن می خواهد بگوید در هرمنوتیک کتب مقدس حضور بیشتری نسبت به تفکر هایدگر وجود دارد. هایدگر از الهیات فاصله می گیرد و معتقد است متافیزیک در کنار الهیات باعث غفلت ما از وجود شده است. یعنی الهیات به جای اینکه ما را به تفکر در باب وجود دعوت کند، باعث شده که ما وجود را فراموش کنیم. اما از نظر کربن پادزهر نهیلیسم، تفکر عرفانی است ولی هم کربن و هم هایدگر خواستار تخریب نظام های کلامی جزمی و نظری هستند. الهیاتی که هایدگر خواستار تخریب آن است، الهیات نظری است و البته کربن هم موافق این نظر هایدگر است. عبدالکریمی با بیان اینکه کربن خواهان کنار گذاشتن متافیزیک به معنای تام و تمام نیست، گفت: به همین دلیل او به دنبال شیخ اشراق آمد. کربن خواهان پیوند تفکر اشراقی و معنوی با تفکر متافیزیکی است و معتقد است هر کدام اینها نباشد، بیراهه رفتن است. این البته سوال مهمی است که آیا تفکر متافیزیکی را به طور کامل می توان کنار گذاشت؟ نکته دیگر اینکه متافیزیک برای هایدگر دیوار به دیوار تئولوژی است. هایدگر خواهان گذر از متافیزیک اما کربن خواهان آشتی متافیزیک با منابع معنوی است. هایدگر در گذر از متافیزیک خواهان رجوع به متفکران پیشاسقراطی است اما کربن به تفکر شرقی نظر دارد. وی با بیان اینکه تفکر معنوی در شرق با کتاب مقدس پیوند محکمی دارد، افزود: تفکر شهودی یونانی خواستار هم سخنی با لوگوس است و این لوگوس یک عقل جهانی است اما در سنت عبری این لوگوس خود را به صورت یک متن مقدس نشان می دهد. کربن خواهان احیای حضور به واسطه کتاب مقدس است اما تفکر هایدگر یک تفکر پدیدارشناسانه است و او به کمک تحلیل های پدیدارشناسانه خواستار گذر از متافیزیک است در حالی که کربن به کمک هرمنوتیک حضوری که در کتاب مقدس است این کار را انجام می دهد. هایدگر همواره این شعر را با خود تکرار می کرد: اینک زمانه ای است که خدایان پیش رفته اند و خدایان جدید نیامده اند، زمانه ما زمانه عسرت است.

هایدگر چشم انتظار ظهور تفکر

عبدالکریمی معتقد است هایدگر چشم انتظار ظهور تفکر فردا است اما تفکر فردا چگونه است؟ او گفت: در پاسخ به این پرسش در تفکر هایدگر با یک سکوت مواجه می شویم. هایدگر می گوید تا ظهور پیدا نکند نمی دانم چگونه است. او فقط ما را به یک تفکر آماده باش دعوت می کند و ما نمی توانیم تعیین کنیم که تفکر فردا باید چگونه باشد. پس وقتی از او می پرسم تفکر فردا چگونه است می گویند نمی دانم. کربن همین جا به هایدگر انتقادی می کند و می گوید تفکر او حامل نوعی عدم شفافیت و ابهام است. می گوید هایدگر از تفکر فردا که روشن نیست صحبت می کند. کربن می گوید تفکر هایدگر ما را با همان شرایطی مواجه می کند که هگل کرد. از دل هگل دو تفکر به وجود آمد که یک عده از آنها کوشیدند تفسیر مسیحی از هگل ارائه کنند، چه عده که از دل هگل فویرباخ سکولار هم بیرون آمد. به نظر می رسد تفکر هایدگر هم دو وجهی است؛ هم می تواند سپیده دمی برای کلام الهی باشد و هم می تواند غروب کلام و افول تفکر معنوی باشد. کربن برای رهایی از این عدم شفافیت در تفکر هایدگر خواهان توسل به حکمت ایرانی و اسلامی و به دنبال تفکر شرقی است. او می گوید نباید تقدیرا را هکارد و نسبه را نگه داشت در حالی که آنچه هایدگر به ما می گوید نسبه است.

زیر آسمان‌های جهان

علامه طباطبایی به روایت سروش دباغ

ایسنا: سروش دباغ درباره علامه سیدمحمدحسین طباطبایی سخنرانی می کند. دباغ در نشستی که با عنوان «طباطبایی و مساله هست و باید» برگزار می شود در تبیین نگاه فلسفی علامه طباطبایی به بحث درباره «هست» و «باید» و نسبت آن با منظر فلسفی علامه می پردازد.

نشست یادشده ساعت ۱۱ روز پنجشنبه (اول اسفندماه) در موسسه معرفت و پژوهش واقع در میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، خیابان شهید سرپرست شمالی، کوچه تبریز، پلاک ۱۹ برگزار می شود.

غفاری از فلسفه نظری کانت می گوید

مهر: دکتر حسین غفاری دانشیار فلسفه دانشگاه تهران و برنده کتاب سال در حوزه فلسفه درباره اثر برگزیده خود با عنوان «بررسی انتقادی و تطبیقی فلسفه نظری کانت» سخن می گوید. این نشست از سوی انجمن حکمت و فلسفه ایران و با همکاری موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران پنجشنبه اول اسفندماه ساعت ۱۵ در محل موسسه برگزار می شود. موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در خیابان نوفل لوشاتو، خیابان آراکلیان، شماره ۶ واقع است.

همایش امام محمد غزالی

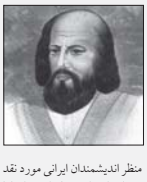

ایسنا: همایش بزرگداشت امام محمد غزالی اسفندماه در تهران برگزار می شود. غلامرضا اعوانی، رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اعلام این خبر گفت: «با توجه به اینکه در تقویم سال ۲۰۰۸ سازمان جهانی یونسکو، نام محمد غزالی به عنوان یکی از مفاخر فرهنگی ایران ذکر شده بود و برنامه هایی در این باره در جهان برگزار شده، ما نیز برنامه ای را در ایران تدارک دیده ایم تا آرای حکمی و فلسفی غزالی از منظر اندیشمندان ایرانی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.»

اعوانی از رضا داوری اردکانی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ضیاء موحد، شهرام پازوکی، مهدی دهباشی، قاسم کاکایی، فتح الله مجتبایی، اصغر دادبه و سروش دباغ به عنوان تعدادی از سخنرانان مراسم یاد کرد و گفت: «در این نشست دو روزه که روزهای یازدهم و دوازدهم اسفند ماه برگزار خواهد شد، ۲۰ نفر از استادانی که در حوزه غزالی، آثار و مقالاتی را منتشر کرده اند، به ارائه مقاله و ایراد سخنرانی خواهند پرداخت.»

او تصریح کرد: «برای شرکت در این مراسم از غلامعلی حدادعادل نیز دعوت شده است که انتظار می رود در مراسم حضور داشته باشد.»

همایش خواجه نصیرالدین طوسی

مهر: همایش بین المللی هفتصد مین سالگرد زندگی خواجه نصیرالدین طوسی روز شنبه ۳ اسفند در دانشگاه خواجه نصیر افتتاح می شود. تاکنون ۴۰ مقاله از میان ۷۰ مقاله ارسال شده به دبیرخانه همایش مورد پذیرش اولیه قرار گرفته اند که در همایش ارائه خواهند شد. برپایی نمایشگاهی از آثار شبیه سازی شده از اختراعات و ابداعات و کتاب های خواجه نصیر از دیگر برنامه های این همایش است. همچنین همزمان با مقدمات برگزاری این همایش، پیشنهاد ثبت آثار خواجه نصیر در فهرست مفاخر فرهنگی و علمی یونسکو در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ از سوی بنیاد فردوسی به مقر یونسکو در پاریس ارسال شده است. این همایش با همکاری دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، بنیاد فردوسی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت ارتباطات و فناوری، یونسکو، آسیسکو و موسسه فرهنگی اکو، انجمن فیزیک ایران و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برگزار می شود. همایش بین المللی خواجه نصیر روز شنبه ۳ اسفند از ساعت ۸/۳۰ دقیقه صبح در تالار و همایش های دانشکده مکانیک دانشگاه خواجه نصیر واقع در میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان پردیس افتتاح می شود.

گردآوری مقاله های اسلامی ندوشن

ایسنا: محمدعلی اسلامی ندوشن از گردآوری و انتشار مجموعه مقاله های تازه سال های اخیرش خبر داد. به گفته این نویسنده و پژوهشگر پیشکسوت، مقاله های یادشده که تعدادشان به ۱۵ عنوان می رسد، اغلب با موضوع های اجتماعی و فرهنگی نوشته شده و بعضا در برخی روزنامه ها و نشریه ها مثل «اطلاعات» و «هستی» منتشر شده اند. اسلامی ندوشن قرار است این تعداد مقاله را به کتاب «دیروز، امروز، فردا» اضافه و در چاپ دوم اثر از سوی شرکت سهامی انتشار منتشر کند. به گفته او، همچنین جلد چهارم کتاب «روزها» بیش از دو سال است از سوی نشر یزدان در انتظار مجوز نشر است. محمدعلی اسلامی ندوشن که هر یک از آثارش را در هر نوبت تجدید چاپ با بازبینی، بازنویسی و تصحیح در مقدمه و متن کتاب منتشر می کند، کتاب های «تامل در حافظ»، تحلیل ۷۵ غزل حافظ، و «ماجرای پایان ناپذیر حافظ»، مقاله هایی درباره حافظ، را از سوی نشر یادشده به ترتیب برای نوبت های دوم و چهارم در دست تجدید چاپ دارد که برای اخذ مجوز ارسال شده اند. او که چندی پیش به دعوت دانشگاه اوتاوای کانادا برای ایراد سخنرانی درباره تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایرانی به این کشور رفته بود، در توضیحی به ایسنا گفت: «وضع نشر خنک شده و از هر جهت، بازار کتاب کساد است؛ هر چند کوشش می شود تا این بازار در جریان باشد.»